سه شنبه 09 اردیبهشت 1393 - 07:35

«تفسیر القمی» متعلق به علی ابن ابراهیم نیست!

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد، وجود روایات ضعیف، ارجاع به ابی‌الجارود و ارجاع به یکی از شاگردان متاخر علی ابن ابراهیم در این اثر را از قراین عدم تعلق تفسیر القمی به وی دانست و اظهار کرد: این اثر از کتب ارزشمند تفسیری و دارای نقاط قوتی نظیر وجود برداشت‌های اجتهادی است.

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد، وجود روایات ضعیف، ارجاع به ابی‌الجارود و ارجاع به یکی از شاگردان متاخر علی ابن ابراهیم در این اثر را از قراین عدم تعلق تفسیر القمی به وی دانست و اظهار کرد: این اثر از کتب ارزشمند تفسیری و دارای نقاط قوتی نظیر وجود برداشت‌های اجتهادی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد، عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بحث درباره شبهات موجود درباره انتساب «تفسیر علی ابن ابراهیم قمی» به مولف این اثر پرداخت و اظهار کرد: درباره اینکه این انتساب صحت دارد یا نه باید بگویم که در قدیم این رسم وجود داشته که گاهی، برخی از شاگردان، کتابی را می‌نوشتند، اما از باب احترام و تقدیر از استاد و از باب اینکه حق استاد را رعایت کرده باشند، اسم خود را نمی‌آوردند و فقط نام استاد خود را ذکر می‌کردند. اکنون موضوعی که وجود دارد و برخی افراد بر آن تاکید دارند، این است که شاگرد ایشان که شخصی به نام ابوالفضل است، این تفسیر را نوشته است و به استاد خود نسبت داده است.

شواهد عدم تعلق «تفسیر القمی» به علی ابن ابراهیم

عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه تاکید کرد: برخی افراد همانند آقابزرگ تهرانی و بزرگان دیگر، در انتساب این اثر به علی ابن ابراهیم قمی تردیدهایی کرده‌اند و دلایل و مویداتی هم برای این مسئله دارند که بنده هم این نظر را ترجیح می‌دهم که ممکن است این اثر متعلق به علی ابن ابراهیم قمی نباشد.

وی در پاسخ به پرسشی درباره شواهدی که برای انکار تعلق این تفسیر به علی ابن ابراهیم وجود دارد، اظهار کرد: اگر بخواهم دلایل خود را ذکر کنم؛ دلیل اول، این است که علی ابن ابراهیم، استاد شیخ کلینی است و در این تفسیر، روایاتی، هرچند اندک وجود دارد که ضعیف است و نمی‌توانیم بپذیریم استاد شیخ کلینی از این دست روایات داشته باشد. ضعف برخی از این روایات حاکی از این است که باید بگوئیم یا این تفسیر را شاگرد ایشان نوشته است یا اگر خود او نوشته، بخش‌هایی از این تفسیر متعلق به شاگر ایشان است.

وی به دیگر شواهد اشاره کرد و گفت: دلیل دیگر، این است که شبیه برخی از روایاتی که در این تفسیر آمده است؛ در منابع دیگر با سند و با عبارتی دیگر، قوی‌تر و متقن‌تر آمده است؛ مثلا شیخ کلینی در کتاب «کافی» از استاد خود یعنی همین علی ابن ابراهیم با سلسله سند، روایاتی را نقل می‌کند که آن روایات یا در تفسیر علی ابن ابراهیم نیست یا به گونه‌ای دیگر است و این هم قرینه‌ای است که این اثر کاملا متعلق به علی ابن ابراهیم نیست و می‌توان گفت صرفا برخی از روایات آن متعلق به اوست.

وی افزود: قرینه دیگر، این است که در مقدمه این کتاب، جمله‌ای با عنوان «علی ابن ابراهیم گفت» آمده است که این جمله مشخص می‌کند که گویا نویسنده این اثر، شخصی دیگر است. شاهد دیگر، این است که وی از «ابن عقده» نقد می‌کند که شاگر شاگرد وی است و چگونه ممکن است که علی ابن ابراهیم از ابن عقده، که متاخر از اوست، نقل کند؟

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی(ص) خاطرنشان کرد: علی بن ابراهیم در سال 307 ق زنده بوده و در همان دوران وفات کرده و نمی‌تواند آن‌قدر عمر کرده باشد که از شاگرد شاگردش نقل روایت کند و این احتمال بعید است. این مواردی که ذکر شد، نشان می‌دهد که این تفسیر ممکن است به املای علی ابن ابراهیم بوده و شاگرد ایشان آن را نوشته و با برخی از روایاتی که از خودش آورده، اضافه کرده است.

«تفسیر القمی» دارای برخی اضافات است

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد با بیان این‌که علی بن ابراهیم در این تفسیر از «ابی‌الجارود» نقل خبر داشته است، افزود: از موارد دیگری که برای انکار تعلق این اثر به علی ابن ابراهیم می‌توانیم ذکر کنیم، این است که در این تفسیر به «ابی‌الجارود» ارجاع داده شده و از وی، روایت نقل‌می‌شود، اما علی بن ابراهیمی که در «کافی» می‌شناسیم، چنین روحیه‌ای ندارد؛ چون ائمه اطهار(ع)، ابی‌الجارود را انکار کرده و کنار زده‌اند و بسیاری از بزرگان گفته‌اند روایت او را نقل نکنید و از طرفی، علی بن ابراهیم در جای دیگر سراغ او نرفته است. این هم نشان می‌دهد که این موارد را شاگرد ایشان یا دیگران به آن اضافه کرده‌اند.

«تفسیر القمی»، از منابع ارزشمند تفسیری است

عضو هیئت‌علمی جامعة المصطفی(ص) در ادامه تاکید کرد: چه ثابت شود یا نه که تفسیر علی بن ابراهیم از وی است یا تردیدی در آن باشد، هیچ فایده‌ای ندارد؛ چون برخی از بزرگان همچون آیت‌الله معرفت، روایات تفسیری را ابزار فهم قرآن می‌دانند. هرچند آیت‌الله معرفت، گفته‌اند تفسیر علی بن ابراهیم از صنع تلامیذ علی بن ابراهیم است، اما در آخر نیز گفته‌اند که این تفسیر از بهترین کتاب‌های تفسیری ما است.

رستم‌نژاد با اشاره به نظر آیت‌الله معرفت درباره استناد تفسیر القمی به علی بن ابراهیم، اظهار کرد: آیت‌الله معرفت، نمی‌گویند این کتاب برای علی بن ابراهیم نیست، بلکه می‌گوید دیگران نیز در آن تصرف کرده‌اند؛ ایشان می‌فرماید: این از املای استاد

است؛ یعنی بخشی از این اثر، متعلق به ایشان است و دیگران نیز در آن اضافاتی وارد کرده‌اند.
وی ادامه داد: تشکیک در استناد تفسیر القمی به علی بن ابراهیم، به این معنا نیست که ارزش روایی ندارد؛ جایگاه ارزشی این کتاب جای خود را دارد و حتی اگر اثبات شد این کتاب برای علی بن ابراهیم است، باید روایات آن بررسی شود؛ چون اگر بهترین کتاب نیز باشد، آن را به طور کامل صحیح نمی‌دانیم، البته این اثر، کتابی بسیار ارزشمند است؛ چون نزدیک به هزار سال پیش نوشته شده است و یکی از منابع تفسیری ارزشمند ما محسوب می‌شود.

وجود برداشت‌های اجتهادی در «تفسیر القمی»

رستم‌نژاد به ذکر برخی از مزایای این اثر پرداخت و اظهار کرد: این کتاب، هم تفسیر روایی و هم اجتهادی است و در آن، از معصوم، روایاتی نقل شده و روایاتی را می‌توان با سلسله سند در این اثر مشاهده کرد که دقیقا از رجال مهم حدیثی شیعه نقل می‌کند. ایشان احادیث مهم شیعه را در آن زمان و قبل از شیخ کلینی نقل کرده است که بسیار ارزشمند است.
وی ادامه داد: نکته دیگر، این است که این اثر، اثری روایی صرف نیست. در این اثر، اجتهاد هم وجود دارد و ایشان برخی مطالب را اجتهاداً از خود بیان می‌کند؛ یعنی برداشت‌های تفسیری از حالت نقلی محض به حالت اجتهادی را هم شاهد هستیم که بسیار ارزشمند است؛ چون یک شخصیت علمی، در هزار سال پیش برداشت‌های تفسیری خود را با زمینه روایات بیان می‌کند و این موارد از امتیازات ارزشمند این اثر است.
عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه در پایان اظهار کرد: قدمت این اثر بسیار ارزشمند است، چون ایشان در حد فاصل بین عصر حضور ائمه(ع) و عصر غیبت این کتاب را نوشته‌اند؛ یعنی زمانی که هنوز طعم شیرین حضور ائمه معصومین(ع) در میان امت احساس می‌شود و سندهایی هم که ارائه می‌دهد بسیار وصل به امام است.